

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واکاوی اقتصاد ژاپن

بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰

www.ketab.ir

سرشناسه: ایتو، ماکوتو، ۱۹۳۶ م. Itō, Makoto

عنوان و نام پدیدآور: واکاوی اقتصاد ژاپن بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰

مشخصات نشر: تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص.

شابک: 978-964-8958-36-2

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: The Japanese economy reconsidered, 2000.

یادداشت: کتبه: ص. [۱۸۱] - ۱۸۵.

شناسه افزوده: دشان، حمیدرضا، ۱۳۶۲ - ناظر

شناسه افزوده: امانی، محمدرضا، ۱۳۶۴ - مترجم

شناسه افزوده: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

شناسه افزوده: Tadbir Institute for Economic Research

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲-۳۷۵۰

واکاوی اقتصاد ژاپن؛ بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰

تهیه و تدوین: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

مترجم: محمدرضا امانی

ناظر علمی و مدیر ترجمه: حمیدرضا درخشان

صفحه آرای: منصوره صادقی

چاپ: فروردین ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال



موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

تهران، خیابان کریمخان، خیابان آبان جنوبی، کوچه هورزاد، ساختمان شماره ۶، طبقه ۳

صندوق پستی: ۶۵۳-۱۴۴۵۵

www.tier.ir

info@tier.ir

تلفن: ۸۸۹۰۸۵۲۸

دورنگار: ۸۸۹۱۸۶۱۱

تمام حقوق متعلق به موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار ناشر	۱
پیشگفتار نویسنده	۳
فصل اول: رکود اقتصادی بلندمدت در اقتصاد ژاپن	۱۱
رشد بالای اقتصادی و بن‌بست پس از آن	۱۱
چهارچوب‌های اصولی و رشد بالای اقتصادی	۱۱
آیا این رژیم، یک رژیم کینزگرایانه بود یا می‌توان آن را یک رژیم فوردیسم دانست؟	۱۴
بن‌بست رشد بالای اقتصادی	۱۷
چندین مرحله بی‌ثباتی مستر	۲۰
وقوع بحران تورمی در دهه‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵	۲۱
احیا از طریق صادرات و مزین‌های دولتی ۱۹۷۶-۱۹۷۹	۲۳
وقوع رکود اقتصادی طولانی‌تر ۱۹۷۹-۱۹۸۳	۲۵
احیا پس از اقتصاد ریگانی، ۱۹۸۳-۱۹۸۵	۲۶
رکود اقتصادی به سبب اوج گرفتن قیمت نفت، ۱۹۸۵-۱۹۸۶	۲۷
احیای اقتصادی القا شده توسط یک حباب اقتصادی، ۱۹۸۷-۱۹۹۰	۲۸
رکود پیچیده در دهه ۹۰ میلادی	۳۰
موارد ضعف و قوت اقتصاد ژاپن	۳۱
موارد قوت	۳۱
موارد ضعف	۳۵
به سوی یک نظام سرمایه‌داری با رشد صفر	۴۰
رکود پیچیده اقتصادی به دلیل انفجار حباب	۴۰
گرایش به سمت برون‌سپاری صنعتی و صنعتی‌زدایی	۴۲
رکود تقاضای مصرف‌کننده و ظرفیت اضافی	۴۴
کاهش جمعیت	۴۵

فصل دوم: فناوری اطلاعات و بازسازی رقابتی نظام سرمایه‌داری.....	۴۷
تأثیر انقلاب اطلاعات.....	۴۷
زمینه‌های فناوری.....	۴۷
تغییر در شرکت‌های نظام سرمایه‌داری.....	۴۹
تغییر در محل کار و بازار کار.....	۵۱
احیای اقتصاد بازار ذره‌ای.....	۵۶
گوناگونی مدل‌ها و محصولات.....	۵۶
بازسازی سیستم بازاری خرده‌فروشی.....	۵۸
آیا جایگاه مصرف‌کننده تقویت شده است؟.....	۵۹
نئولیبرالیسم و بازگشت ماریپیچ توسعه سرمایه‌داری.....	۶۲
گرایش تاریخ سرمایه‌داری تا آغاز دهه ۷۰.....	۶۲
بازگشت ماریپیچ توسعه سرمایه‌داری.....	۶۵
اهمیت نئولیبرالیسم و مشکلات ایجاد شده توسط آن.....	۶۶
فصل سوم: تغییر ساختار صنعتی و زندگی روزمره.....	۷۱
برون‌سپاری صنعتی.....	۷۲
تغییر در ساختار صنعتی به سوی یک اقتصاد خدمات.....	۷۲
افزایش ارزش‌ها و تغییر در ساختار صنعتی.....	۷۴
عبور برون‌سپاری صنعتی از نقطه عطف خود.....	۷۶
دگرگونی اقتصادی به سمت بخش سوم (خدمات).....	۷۷
گسترش بخش خدمات.....	۷۷
گرایش کلی به سوی اقتصاد خدمات.....	۷۸
تأثیر فناوری اطلاعات میکروالکترونیک.....	۸۱
تأثیرهای افزایش ارزش‌ها.....	۸۲
تغییر در زندگی خانوادگی و چالش‌های فمینیسم.....	۸۴
منحنی M شکل مرتبط با نرخ مشارکت زنان کارگر در ژاپن و تغییرات آن.....	۸۴
تغییر در شبکه زندگی خانوادگی.....	۸۹

۹۳	 گرایش به کاهش جمعیت را چگونه باید مورد ارزیابی قرار داد؟
۹۵	 اهمیت کاهش جمعیت و گزینه‌های احتمالی
۱۰۱	 فصل چهارم: انفجار حباب و اقتصاد سیاسی رکود اقتصادی دهه ۹۰
۱۰۲	 شکل‌گیری و گسترش حباب
۱۰۴	 نقش تحریک‌کننده سیاست مالی و پولی
۱۰۶	 احیای اقتصادی همراه با گسترش تقاضای داخلی
۱۰۹	 نقش نظام مالی
۱۱۵	 انفجار حباب و فشار رکود اقتصادی
۱۱۵	 فرآیند انفجار حباب
۱۱۹	 روابط پیچیده در مارپیچ رکود اقتصادی
۱۲۴	 شکست و آشفتگی سیاست‌های اقتصادی
۱۲۴	 شکست نئولیبرالیسم
۱۲۸	 اقتصاد سیاسی بحران مالی دولت
۱۳۹	 فصل پنجم: آسیا و ژاپن در فرآیند جهانی شدن
۱۳۹	 جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌داری
۱۳۹	 جهانی شدن به چه معناست؟
۱۴۱	 ویژگی‌های معاصر
۱۴۵	 نظام نوین جهانی و جهانی شدن
۱۵۱	 جهانی شدن نظام سرمایه‌داری ژاپن
۱۵۸	 روابط آسیایی
۱۵۸	 رشد بالای اقتصادی در اقتصادهای آسیایی در مجاورت ژاپن
۱۶۱	 جهانی شدن و تنوع نظام‌های اقتصادی
۱۶۶	 فروپاشی معجزه اقتصاد آسیایی و وقایع پس از آن
۱۷۵	 گفته‌های پایانی
۱۷۹	 منابع

پیشگفتار ناشر

دنیای کنونی در شرایطی قرار دارد که یکی از اصول پذیرفته شده در مورد ماهیت آن، تغییر مستمر متغیرهای اقتصادی و سیاسی است که این تغییرات باعث شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌های متعدد برای کشورها و ملت‌های جهان می‌شوند. در این شرایط، تأمین ثبات و امنیت اقتصادی نیازمند آن است که از یک‌سو، آمادگی لازم برای مقابله با انواع تهدیدها و چالش‌ها را داشته باشیم و از سوی دیگر، از فرصت‌های پیش‌روی خود به نحو مطلوب استفاده کنیم. در واقع مدیریت مناسب کلان اقتصادی و توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی ملت‌ها یکی از عوامل تعیین‌کننده آینده کشورهاست.

یکی از کشورهای مهم اساسی که در طول یک قرن اخیر توانسته با مدیریت مناسب در مقابل فرصت‌ها و تهدیدها، پیشرفت قابل توجهی داشته باشد، کشور ژاپن است. این کشور پس از شروع اصلاحات در دوره میاجی (دهه‌های آخر قرن ۱۹ میلادی) روند تقویت اقتصاد خود را شروع کرد و با وجود صدمات فراوانی که در جنگ جهانی دوم متحمل شد، توانست تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی به هدف دولتمردان آن - یعنی رسیدن به سطح استاندارد زندگی کشورهای پیشرفته غربی - دست پیدا کند. تحولات سریع اقتصادی که از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به وجود آمدند، باعث شدند که سه دهه سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ میلادی به یکی از پرچالش‌ترین دوره‌های این کشور تبدیل شود، چراکه در این دوره حواشی مانند بحران‌های نفتی، کاهش نرخ رشد اقتصادی و حتی منفی شدن آن، کاهش شدید نرخ ارز، بحران حاد، شرق آسیا، ترکیدن حباب بازارهای مالی و... به وقوع پیوست که ژاپن را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

از آنجایی که پیشرفت، توسعه و تقویت امنیت اقتصادی ایران از طریق مقابله با چالش‌ها و استفاده از فرصت‌ها از اهداف مهم سیاست‌گذاران کشور محسوب می‌شود، مطالعه عملکرد اقتصادی ژاپن در سه دهه پرچالش منتهی به سال ۲۰۰۰ میلادی می‌تواند نکات و آموزه‌های مهمی را بازگو کند و نحوه مدیریت این کشور در مقابل تغییرات می‌تواند به عنوان راهنمای اولیه برای مدیران و تصمیم‌گیران کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد.

کتاب حاضر که به مطالعه تحولات اقتصادی ژاپن در دوره ۳۰ ساله یادشده پرداخته است، به سؤالاتی چون ۱- چرا ژاپن پس از دهه‌ها رشد اقتصادی وارد دوره رکود شد؟ ۲- تأثیر روند یادشده

بر روند تولید و ساختار تولیدی به چه صورت بود و مدیریت کلان این کشور به چه سمتی حرکت کرد؟ ۳- عکس‌العمل افراد و نوع زندگی آن‌ها در این شرایط چه تغییری کرد؟ ۴- حباب اقتصادی دهه ۱۹۹۰ در ژاپن چرا به وجود آمد و پیامدهای آن چه بود؟ و در نهایت اینکه ۵- ژاپن در شرایط داخلی یادشده نسبت به فرآیند جهانی شدن چه عکس‌العملی از خود نشان داد؟ پاسخ می‌دهد.

کتاب «واکاوی اقتصاد ژاپن بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰» که به قلم یکی از اساتید اقتصاد دانشگاه توکیو ژاپن به نام «ماکاتو ایتو» نوشته شده است با دیدگاهی انتقادی و در چارچوب تفکرات مارکسیستی به بررسی سوالات اشاره شده در بالا پرداخته و تحولات اقتصاد ژاپن در طول سه دهه منتهی به سال ۲۰۰۰ میلادی را مطالعه کرده است. همچنین تحولاتی که هم در درون شرکت‌ها و هم در سطح خازن‌ها در مقابل تغییرات یادشده به وجود آمده را مورد بررسی قرار داده است.

دلیل انتخاب این کتاب برای ترجمه از سوی مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد آن است که وجود یک دیدگاه انتقادی نسبت به نظام سرمایه‌داری در این کتاب باعث می‌شود با نگاه دقیق‌تری نقاط ضعف این نظام در مواجهه با سوکوما با توجه به شرایط کنونی که از یک سو چالش‌های اقتصادی مهم مانند تحریم‌های ظالمانه غرب را که شدت‌بخش قیمت جهانی نفت برای کشور وجود دارد و از سوی دیگر، برخی افراد راه‌حل برون‌رفت از این شرایط را تعدیل ساختار اقتصاد کلان کشور و حرکت بیشتر به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار می‌دانند، مورد توجه قرار بگیرد.

البته ادعای بالا به معنای آن نیست که اقتصاد مبتنی بر بازار تماماً دارای ضعف است، بلکه موضوعی که توسط مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد پیگیری می‌شود آن است که تأکید بیش از حد بر نظام اقتصادی مبتنی بر بازار می‌تواند دارای تبعات منفی برای اقتصاد کشور باشد که شاهد این مدعا تحولات مورد مطالعه در این کتاب در کنار حوادثی مانند بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ میلادی است. تلاش مؤسسه بر این است که مزیت‌ها و کاستی‌های نظام اقتصادی مبتنی بر بازار تا حد ممکن شناسایی شود و با آرایه محصولاتی مانند کتاب پیش رو، کارشناسان، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران کشور برای تحلیل و تصمیم‌گیری بهتر یاری شوند.

مدیر مؤسسه تحقیقاتی

تدبیر اقتصاد

پیشگفتار نویسنده

ماکاتو ایتو^۱

استاد اقتصاد دانشگاه توکیو

در سال ۱۹۷۳ میلادی، رشد بزرگ اقتصادی در اقتصاد ژاپن که در نتیجه شکوفایی اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم در این کشور به وجود آمده بود، به پایان رسید. اقتصاد این کشور به دوره رکود اقتصادی چشمگیری وارد شد که تا اواسط دهه نخست قرن حاضر ادامه یافت. میانگین نرخ رشد سالانه از ۹/۲ درصد در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۵۱ به ۳/۹ درصد در بین سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۷۴ کاهش یافت. حتی به‌رغم این رکود اقتصادی، تا اواخر دهه ۸۰ اقتصاد ژاپن به‌طور کلی یکی از اقتصادهای پایدار، باثبات، قابل اعتماد و دور از بحران اقتصادی جهانی به شمار می‌رفت و نرخ رشد این کشور، هنوز از نرخ رشد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به میزان ۱ تا ۲ درصد بیشتر بود. نرخ بیکاری، بسیار کمتر به نظر می‌رسید. در یک مقایسه بین‌المللی وابسته به دلار تا سال ۱۹۸۷، سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP^۲) ژاپن با منابع بسیاری از افزایش روزافزون بهای بن^۳، از سرانه تولید ناخالص داخلی آمریکا پیشی گرفت. چند نفر از محققان غربی مانند وگل در کتاب ژاپن به‌عنوان بهترین کشور (۱۹۷۹)، جانسن در کتاب MII^۴ و سعزیه ژاپنی (۱۹۸۲)، داستان‌های متنوعی را به‌عنوان درس‌هایی مناسب در مورد موفقیت این کشور برای کشورهای دیگر نقل کردند. سبک تجارت و مدیریت منابع انسانی که براساس فرهنگ اجتماعی ژاپن شکل گرفته و توسط افراد صاحب‌منصب باهوشی با دید گسترده‌ای در سیاست‌های صنعتی اداره می‌شد، یکی از رازهای موفقیت اقتصاد مردم ژاپن بوده است.

1- Makoto Itoh

2- Gross Domestic Product

۳- واحد پول کشور ژاپن (Yen).

۴- وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی (Ministry of International Trade and Industry).

در دهه ۹۰ میلادی، اقتصاد ژاپن با حفظ قدرت رقابتی خود براساس همکاری کارکنان و مدیریت به ثبت مازاد تجاری بالای خود ادامه داد. بنابراین، ژاپن تا آن زمان، بیشترین میزان ذخایر مبادلات خارجی را در جهان دارا بود - تا پایان سال ۱۹۹۷، بالغ بر ۲۲۰ میلیارد دلار (آمریکا) - و همچنین بیشترین دارایی‌های خارجی را از آن خود کرده بود. بدون تردید، پیشرفت ژاپن حتی بیش از میزانی بود که در سال ۱۸۶۸ در جنبش اصلاح طلبانه می‌جی در ژاپن مشخص شده بود (آغاز دوره نوسازی در ژاپن)؛ از جمله اهداف اصلی این جنبش می‌توان رساندن ژاپن به کشورهای «شرفه غربی و همچنین تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اقتصادی بزرگ جهانی را نام برد.

به‌رغم وجود این حقایق، بیشتر مردم ژاپن رضایت چندانی ندارند و در مورد زندگی اقتصادی خود احساس نگرانی می‌کنند. در دهه ۹۰، ژاپن رکود شدیدی را در میزان دستمزدها تجربه کرد، درآمد حاصل از دستمزد اضافی برای افراد به شدت کاهش یافت، پاداش‌های اعطا شده به کارگران به‌طور کامل قطع شد و این در حالی بود که هزینه‌های درمانی و آموزشی و هزینه مالیات مصرف‌کننده روزه‌روز در حال افزایش بود. ژاپن با افزایش هزینه‌های زندگی، حتی کارگران نیمه‌وقت و مشکل یافتن کار مناسب حتی برای نسل جوان و تحصیلکرده بسیار عادی به نظر می‌رسید. در همین زمان، نگرانی‌هایی نیز در مورد بیمه بازنشستگی و صندوق‌های بازنشستگی و حتی سپرده‌های نزد بانک‌ها و سایر مؤسسه‌های مالی و اعتباری ملاحظه می‌شد.

در حالی که چنین مسایل بغرنج و مشکلات واقعی در بین مردم وجود داشت، اقتصاد ژاپن با ناکارآمدی بزرگ دیگری در حوزه عملکرد اقتصاد کلان در دهه ۹۰ میلادی روبه‌رو شد. میانگین نرخ رشد ژاپن بین سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۱ به $1/2$ درصد کاهش یافت و در بین کشورهای پیشرفته کمترین مقدار را به خود اختصاص داد. نرخ رشد اقتصادی تقریباً به صفر رسید و حتی طی چند سال نرخ رشد به زیر صفر نیز رسید (به‌ویژه سال‌های مالی ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ را می‌توان نام برد). بنابراین، به نظر می‌رسد روند رشد در ژاپن دچار نوسانات رو به پایین مضاعفی شد: از رشد اقتصادی تقریباً ۱۰ درصد به رشد اقتصادی زیر ۴ درصد که این کاهش بعدها حتی به تقریباً ۱ درصد نیز رسید.

چه اتفاقی برای اقتصاد ژاپن رخ داده است؟ آیا می‌توان دلیل آن را فقدان مدیریت مطلوب دانست یا اینکه وضعیت دشوار این کشور، جریان ثرونی را در اقتصاد ژاپن آشکار می‌کند، همچنین آیا نشان‌دهنده بی‌ثباتی بنیادین و ماهیت بحران‌زده اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر بازار در دوران معاصر است؟ این پرسش‌ها نیازمند بازنگری در اقتصاد ژاپن هستند. پنج مسأله‌ای که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم، در این راستا اهمیت زیادی دارند.

۱- چرا و چگونه فرآیند رشد بالای اقتصادی به پایان رسید، پس از آن به دوره‌ای وارد شد که روند رشد پایین‌تری داشت و بعدها در دهه ۹۰ میلادی، میزان رشد اقتصادی کاهش بسیار شدیدی یافت. آیا اقتصاد ژاپن به‌طور اساسی قوی بوده یا دچار ضعف اقتصادی پایه‌ای شده است؟ آیا اقتصاد ژاپن قادر به غلبه بر نرخ رشد پایین اقتصادی کنونی خواهد بود و آیا می‌تواند به‌طور درونی، مسیر رشد بالاتر را در قرن بیست‌ویک به روی خود بگشاید یا اینکه ما شاهد آزمون امکان‌پذیری عملی از یک نظام سرمایه‌داری با نرخ رشد صفر یا منفی در دنیای واقعی هستیم؟

۲- گسترش فناوری اطلاعات چه تأثیر داشته است. چگونه آنها به تجدید حیات اقتصاد بازار رقابتی و افزایش فردگرایی، مرتبط هستند؟ هم‌راستا با سایر کشورهای پیشرفته، ایدئولوژی و مکاتب تأثیرگذار پیشین کینزگرایانه و دولت رفاه، در آغاز دهه ۸۰ میلادی در ژاپن، با لیبرالیسم نوین جایگزین شدند. در همین زمان، ژاپن با قدرت بسیاری یک جامعه شرکت‌محور تبدیل شد. به‌طور کلی، شرکت‌های بزرگ ژاپنی، موفق به تضمین همکاری با مهندسان و کارگران خود شدند تا به این طریق به بهبود وضعیت مالی خود و تقویت قدرت رقابتی بین‌المللی خود بپردازند. از سوی دیگر، سرسختی اتحادیه‌های صنفی در محافظت از موقعیت و جایگاه کارگری و قدرت بخشیدن به آن بسیار ضعیف‌تر شده است. در ترکیب با تأثیرهای سقوط نظام سوسیالیستی مشابه شوروی، این موضوع به بروز بحران‌های بسیار شدیدی برای گروه‌های چپ ژاپنی منجر شد.

۳- چه تغییراتی در ساختار صنعتی و زندگی خانوادگی ژاپنی‌ها ایجاد شده است؟ آیا خلأ و فروپاشی صنعتی در ژاپن به وقوع پیوسته است؟ چگونه صنعت خدمات (یا صنایع مرتبه سوم) پدید آمد؟ چگونه می‌توانیم این تغییرات مرتبط به آینده جامعه را در ذهن خود تحلیل کنیم؟

تغییرات به‌وجود آمده در زندگی خانوادگی و شیوه زندگی زنان نیز بسیار چشمگیر بوده است. چالش‌های مطرح شده توسط فمینیسم، الزام‌های بسیار مهمی را در این راستا پدید آورده است. چگونه می‌توانیم کاهش سریع نرخ رشد جمعیت و تبدیل جامعه ژاپن را به یک جامعه سالخورده موثر ارزیابی قرار دهیم؟ این موضوع نیز یکی از مسایل بسیار مهم اقتصادی ژاپن در قرن بیست و یکم است.

۴- روشی که براساس آن حساب بزرگ اقتصادی اواخر دهه ۸۰ منفجر شد، تأثیرهای بسیار نیرومند آن بر کاهش سرمایه و توزیع هزینه‌های ناشی از آن، بدون شک، نیازمند بررسی‌های مجدد خواهد بود. چرا چنین حساب‌بندی در اقتصاد ژاپن پدید آمد و چرا غلبه بر وام‌های معوق حاصل از آن، چنان مشکل و طاقت‌فرسا بود؟ آیا این مشکلات تنها به حوزه‌های مدیریتی در محافل مالی محدود می‌شوند یا دور باطل بین سرمایه‌گذاری و صنعت (بین سرمایه پولی و سرمایه واقعی) وجود دارد؟

همچنین به بازنگری مسؤولیت دولت در عمیق‌تر شدن بحران مالی دولت نیاز است، با دانستن این مطلب که دولت، تغییر شکل گرفته در کاهش نرخ رشد اقتصاد ژاپن را به‌طور مناسب درک نکرده است. آیا گزینه‌های جایگزینی برای حل مسایل و بحران‌های مالی وجود دارد؟

۵- تأثیرهای جهانی شدن اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌داری بر اقتصاد ژاپن چیست؟ با توجه به روند جهانی شدن، جایگاه ژاپن در نظم نوین جهانی کجاست؟ مسایل مهمی نیز در این بخش در ارتباط با رشد اقتصادی و بحران در کشورهای آسیایی هم‌جوار ژاپن پدید آمده است.

این کتاب به بررسی این مسایل می‌پردازد و اقتصاد ژاپن را در یک نقطه عطف مهم تاریخی مورد بازنگری قرار می‌دهد. به لحاظ روش‌شناختی، کتاب حاضر در سطح تحلیل‌های تجربی واقعی از نظام سرمایه‌داری معاصر است و به‌طور قطع در سطح اصول اقتصاد سیاسی یا در سطح

متوسط نظریه مراحل توسعه سرمایه‌داری برای استفاده از تمایزهای کی. اونو^۱ نیست. براساس روش‌شناختی اونو، از کاربرد مستقیم نظریه‌های اساسی در سطح تحلیل‌های تجربی خودداری شده است. در نتیجه این رویکرد، امیدواریم که این کتاب و کتابی که پیش‌تر با نام *بحران اقتصادی جهان و نظام سرمایه‌داری ژاپن*^۲ (۱۹۹۰) به چاپ رسید، بتواند ارتباط مناسبی را بین افرادی به‌دست آورد که در زمینه اقتصاد و نظریه‌های اقتصاد سیاسی سوابق تحصیلی و دانشگاهی ندارند. هر کدام از خوانندگان محترمی که علاقه‌مند به عملکرد اخیر اقتصاد ژاپن هستند، می‌توانند به‌آسانی مفاهیم اساسی مطرح شده در این کتاب را پی‌گیری کنند.

با وجود این، سابقه نظری نویسنده بیشتر در زمینه اقتصاد سیاسی مارکسیستی بوده است. کتاب‌های دیگر من که به زبان انگلیسی به چاپ رسیده‌اند، *ارزش و بحران*^۳ (ایتو، ۱۹۸۰)، *اصول اساسی نظریه سرمایه‌داری*^۴ (ایتو، ۱۹۸۸)، *اقتصاد سیاسی سوسیالیستی*^۵ (ایتو، ۱۹۹۵) و *اقتصاد سیاسی پول و سرمایه*^۶ (ایتو، ۱۹۹۹)، به‌طور عمده در مورد نظریه‌های اصلی اقتصاد سیاسی بوده‌اند.

توسعه سرمایه‌داری به‌طور کلی وارد یک مارپیچ مکوس در مقیاس بزرگ شده و به سمت یک نظم بازاری رقابتی‌تر و جهانی شده در حرکت است. در گذشته، اعتقاد بر این بود که نظام سرمایه‌داری در زمان نخستین رکود بزرگ اقتصادی در نیمه بین سال‌های ۱۸۷۳-۱۹۹۶ از حالت اصلی و اولیه خود (براساس اقتصاد بازار آزاد سرمایه‌داری) فاصله گرفته است. با رشد صنایع سنگین، غول‌های صنعتی جهان شروع به تأسیس سازمان‌های انحصاری کردند تا از رقابت آزاد جلوگیری کنند. اتحادیه‌های صنفی، با سهولت بیشتری در برابر چنین صنایعی و همچنین بخش دولتی شروع به رشد و از جایگاه کارگران به‌وسیله تعدیل رقابت بی‌رحمانه، حمایت و محافظت کردند. با آغاز امپریالیسم، مداخله دولت در امور اقتصادی و نبود آزادی در تجارت به روش‌های گوناگونی شدیدتر شد و به‌ویژه پس از انقلاب بزرگ روسیه، دولت‌های

1- K. Uno

2- The World Economic Crisis and Japanese Capitalism

3- Value and Crisis

4- The Basic Theory of Capitalism

5- Political Economy for Socialism

6- Political Economy of Money and Finance

سرمایه‌داری ناگزیر به مخالفت و مقابله با سوسیالیسم شدند. بنابراین، اونو بر این باور است که توسعه سرمایه‌داری پس از اواخر سده نوزدهم به شدت اصالت خویش را از دست داده و از الگوی جامعه اصیل سرمایه‌داری منحرف شده است. با وجود این، پس از حدود یک قرن از چنین جریان‌هایی، علایم حاکی از برگشت مارییچ سرمایه‌داری به سوی جهت اصلی توسعه خود است که این موضوع به وقوع بحران بزرگ اقتصادی دیگری پس از سال ۱۹۷۳ منجر شد و دوباره با قدرت بیشتر به سمت یک بازار رقابتی بزرگ‌تر با نقش کم‌رنگ‌تری برای دولت حرکت کرد.

تغییر اساس به وجود آمده در سیاست، به صورت فاصله گرفتن از عقاید کینز و حرکت به سمت لیبرالیسم نو، به دلیل تغییرات صورت گرفته در اقتصاد سرمایه‌داری بوده است و نمی‌توان آن را تنها واکنش به عدم موفقیت مکتب کینز در نظر گرفت. در عین حال، پدید آمدن حباب‌های بزرگ مالی و تأثیرهای بحران انفجار آنها، بی‌ثباتی بنیادین جدیدی را در نظام مالی سرمایه‌داری آشکار کرد، اگرچه باید نقش سیاست‌های نادرست را در این زمینه مورد توجه قرار داد. نظم موجود در بازار سرمایه‌داری، هم‌زمان تلاش‌هایی که به منظور بالا بردن بهره‌وری آن صورت می‌گرفت، عملکرد مخربی نه تنها در بحران مالی داشت، بلکه مشکلات بسیار زیادی را برای اقشار مختلف مردم به وجود آورد.

عملکرد اقتصاد ژاپن مورد علاقه جامعه جهانی بوده و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، نه تنها به دلیل ابعاد بسیار گسترده آن، بلکه به این دلیل که بدون آنکرایی‌های خاص آن، الگوی نمونه‌ای از تغییراتی است که در تمام کشورهای صنعتی جهان به‌طور معمول رخ داده است. اقتصاد ژاپن، در گذشته نه‌چندان دور و تا پایان دهه ۸۰، یکی از الگوهای اقتصادی جهان بوده است. برای خوانندگان غیرژاپنی، درک فرآیندهای واقعی که در اقتصاد ژاپن رخ داده ارزش زیادی دارد، تا به این طریق به ارزیابی انتقادی جهان معاصر و کشورهای آن با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای بپردازند.

من در کتاب قبلی خود با عنوان *بحران اقتصادی جهان و نظام سرمایه‌داری ژاپن* (ایتو، ۱۹۹۰)، از تعاریف و تمجیدهای اضافی که در مورد اقتصاد ژاپن وجود دارد، انتقاد کرده بودم.

به برخی از تغییرات جدی، به‌ویژه در زندگی اقتصادی کارگران اشاره کرده و در مورد خطر ذاتی در فروپاشی اقتصاد حبابی سوادگرانه هشدار داده بودم؛ برای مثال، در صفحه ۱۷۹ کتاب می‌خوانید: «اگر بمب ساعتی در واقع، در بازار بورس اوراق بهادار یا املاک و مستغلات در زمان رونق به مرز انفجار برسد، پایان این جهش و رونق اقتصادی محکم‌تر و فاجعه‌آمیزتر خواهد بود». اتفاقاً، این موضوع نگران‌کننده‌ترین جنبه اقتصاد آمریکا در دوران کنونی است. این بمب ساعتی به‌طور قطع در ژاپن منفجر شد و با تأثیرهای مخرب بسیار شدیدی همراه بود؛ اگرچه این فرآیند نسبت به آنچه من فکر می‌کردم شدت کمتری داشت و در مدت زمان طولانی‌تری رخ داد. احساس کردم باید در این کتاب تحلیل‌های خود را گسترش دهم تا این نکته مهم را نیز دربرگیرم. اگرچه دیدگاه اصلی من در مورد تغییرات انجام شده در اقتصاد ژاپن چندان تغییر نیافته، این کتاب دربردارنده اطلاعات جدیدی از ملاحظات و بازنگری‌های عمیق‌تری است؛ همچنین دوباره و به‌تازگی در کتاب پیشین را برای دربر گرفتن بحران اقتصادی دهه ۹۰ گسترده‌تر کرد.

بسیار خرسند می‌شوم اگر این کتاب به خواننده در ارزیابی انتقادی اقتصاد جهانی و همچنین اقتصاد معاصر ژاپن کمک کند. همچنین امیدوارم این کتاب در بازگرداندن امید دستیابی به جایگزین‌های مطلوب‌تر برای قرن جدید در سایه همکاری بین‌المللی در بین مردم ثمربخش باشد.

افراد و سازمان‌های بسیاری من را در نوشتن این کتاب یاری کردند. دستاز لاپاویتسا^۱ زحمت ویرایش پیش‌نویس اولیه کتاب را برعهده گرفت و با استفاده از دانش من، نمود در زمینه اقتصاد ژاپن بازنگری بخش‌هایی از این کتاب را تسهیل کرد. از اینکه فرصت مناسبی برای ایراد سخنرانی در زمینه «نظام سرمایه‌داری جهانی و اقتصاد ژاپن» به مدت دو ماه در دانشگاه سیدنی در تابستان سال ۱۹۹۷ برای من فراهم شد، بسیار خوشحال هستم. این سخنرانی باعث شد محتوای اصلی این کتاب را آماده کنم. ارتباط با جوزف هالوی، فرنک استیلول و دیک بریان^۲ و همچنین دانشجویان آنها در دانشگاه سیدنی، بسیار ثمربخش بود و انگیزه زیادی را در من ایجاد

1- Costas Lapavitsas

2- Joseph Halevi, Frank Stilwell and Dick Bryan

کرد. از سخنرانی در مجموعه سمینارهای عمومی ایوانامی در پاییز سال ۱۹۹۷ در توکیو، بهره زیادی بردم. همه موارد یادشده به انتشار کتابی به زبان ژاپنی منجر شد (*بررسی اقتصاد ژاپن*) که نگارش این نسخه نیز (به‌شدت) براساس آن کتاب بوده است. در گسترش مفاهیم فصول این کتاب، دو کنفرانس بین‌المللی نیز نقش مؤثری داشتند. نخستین کنفرانس با نام «از معجزه تا فروپاشی: پایان نظام سرمایه‌داری آسیایی»^۱ توسط مرکز تحقیقات آسیایی دانشگاه مرداک در استرالیا در آگوست ۱۹۹۸ و کنفرانس دوم با نام «آینده تأمین مالی مسکن: جهانی شدن، مسکن و نابرابری در ژاپن، ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی»^۲ در دانشگاه کالیفرنیا در آوریل ۱۹۹۹ برگزار شد. برفراری ارتباط و انجام مصاحبه با اندرو گلین، باب راسوم، جف هاگسون، گری دیمزکی و رابرت برنر^۳ رابرت بویر^۳ در موقعیت‌های مختلف هم لذت‌بخش و هم در آماده‌سازی این کتاب بسیار مؤید بود. در ژاپن، ماکاتو ایکی، داده‌های مرتبط با اقتصاد کلان را به‌دست آورد، ماریکو آداچی اطلاعاتی را پیرامون زندگی اجتماعی زنان در ژاپن و آکیرا ماتسوموتو اطلاعات مربوط به قیمت زمین و املاک را فراهم کردند. از همکاران و دوستان دیگری که در تکمیل این اثر ما را یاری کردند می‌توانم تشکر می‌کنم. عمیقاً نسبت به این افراد و مؤسسه‌های مورد اشاره احساس دین دارم، با این حال، به گونه‌ای ناقص که در این کتاب به چشم خواننده بیاید، به‌طور قطع مسئولیت آن را شخصاً برعهده می‌دارم.

ماکاتو ایتو

1- From Miracle to Meltdown: The End of Asian Capitalism

2- Housing Finance Futures: Globalization, Housing and Inequality in Japan, the USA and South Korea

3- Andrew Glyn, Bob Rowthorn, Geoff Hodgson, Gary Dymski, Robert Brenner, Robert Boyer